

مسلمان بر اساس تعالیم قرآن باید در مدار خوف و رجا حرکت و زندگی کند. بنابراین، امیدواری به رحمت الهی بدون خوف و خشیت عالمانه می‌تواند زیانبار باشد و افکار و اعمال انسان و سبک زندگی او را در دنیا از مسیر صراط مستقیم اسلام دور سازد و گرفتار التقاط در عقیده و عمل کند. توجه به شرایط امید به خدا می‌تواند انسان را در مسیر درست سبک زندگی اسلامی قرار دهد و از گرفتاری در وادی گمراهی باز دارد، زیرا بسیاری از مردم به سبب فهم نادرست از دین یا تبلیغات گمراه‌کننده در دام اسلامی می‌افتند که از اسلام قرآنی بسیار دور است. از جمله اینها می‌توان به اصطلاح اسلام رحمانی اشاره کرد که مبتنی بر امیدواری کاذب شکل گرفته است.

در مطلب پیش‌رو نویسنده شرایط امیدواری به رحمت خدا و لزوم تفاهم بودن خوف و رجا با هم و زیان امید صرف داشتن را توضیح داده است.

حقیقت مفهوم اسلام رحمانی
یکی از مصطلحاتی که در عصر حاضر بسیار به کار گرفته می‌شود، اسلام رحمانی است. شاید افزون بر انگیزه‌های سیاسی، انگیزه‌های دیگری نیز پشت این اصطلاح باشد که به گسترش آن در تقابل با اسلام حقیقی و ناب تائید دارد. اسلام رحمانی به ظاهر عنوانی صحیح است، اما باید توجه داشت که کافی نیست، بلکه از مصادیق «هوم بیض و تکفر بعضی» است که عامل تقلیل‌گرایی اسلام و موجب تبیین نادرست و توصیه باطل خواهد بود.

اگر رحمانیت تنها به معنای مهروزی باشد، چنین تعریفی از حقیقت رحمانیت الهی در تضاد با فرهنگ قرآنی است. به‌کار بردن قید رحمانی برای اسلام موجب تقلیل مفهومی شده و بر خلاف فرهنگ قرآنی تعریف مفهومی واژه صورت گرفته است، از همین رو کسانی که از اسلام رحمنی سخن به میان می‌آورند، این به معنای عدم مبارزه با ظلم یا عدم عمل به احکام شرعی و ستم‌ها کردن به ایمان قلبی بدون عمل جوارحی و امیدواری به رحمت الهی برای خروج از دوزخ و ورود به بهشت است، در حالی که چنین تفسیری از اسلام رحمانی در تضاد مستقیم با تعالیم قرآن است.

بر اساس آموزه‌های قرآن، مسلمان واقعی کسی است که خوف و رجا را با هم دارد، یعنی در همان حال که از عظمت الهی خشیت و ترس عالمانه دارد که ترسی عقارتی و پرخاسته از حقیقت است، همچنین طمع و امید به رحمت الهی دارد و می‌داند که رحمت خدا همواره پیشتاز غیبت اوست و آنچه غضب را رهبری می‌کند رحمت الهی است. پس هر کز خدا کسی را بدون در نظر گرفتن رحمت خویش مجازات و کفر نمی‌کند، بلکه ریشه و خواسته هر مجازات و کفری را همان رحمت الهی است.

حجت به معنای دلیل روشن و اتمام حجت به معنای آوردن دلیل روشن است به گونه‌ای که نتوان آن را انکار کرد و مردود دانست. البته در فرهنگ قرآنی این اصطلاح به معنای پایان مرحله تبلیغ و اتمام حجت در روند هدایت و بیان تکلیف الهی است به نحوی که هر گونه عذر و بهانه‌ای برداشسته می‌شود و اگر تنبیه و مجازاتی صورت گیرد مبتنی بر هشدارها و اندازهای پیشین است و عقل و عقلاء این‌گونه مجازات را زشت و قبیح نمی‌شمارند.

آموزه‌های قرآنی به مسئله حجت و اتمام حجت توجه خاصی دارد، زیرا این مسئله بیانگر عدالت الهی در حق‌بندگان است و جلوه‌هایی از آن را به نمایش می‌گذارد. پیامبران و ائمان معصوم(ع) بارها در مقام سخن گفتن با دشمنان و مخالفان خویش واژگانی را به کار برده‌اند که مفاد آن اتمام حجت است. از جمله در روز عاشر امام حسین(ع) بارها در مقام وعظ و انداز، دشمنان و مخالفان را انداز داده و حجت را بر آنها تمام کرده است. نویسنده در این مطلب درباره حجتی به مسئله اتمام حجت سخن گفته و بررسی این موضوع پرداخته که چرا اتمام حجت در برخی از انسان‌ها کارساز نیست و موجب بیداری و تنبیه آنان نمی‌شود.

اتمام حجت یا تبیین حقایق با ادله روشن
بازها این واژه را از کسانی شنیده‌ایم که گفته‌اند اتمام حجت می‌کند یا به تو اتمام حجت کرده بودم، اما من نمی‌دانم که اتمام حجت چیست؟ این اصطلاح در چه مواقع به کار می‌رود و چه کار کرده‌ای دارد؟ آثاری که بر اتمام حجت بار می‌شود چیست؟ اصطلاح ترکیبی اتمام حجت به شکل مضاف و مضاف الیه به کار می‌رود و می‌دانیم که جزء دوم همواره از اهمیت بیشتری برخوردار است و در حقیقت محور ترکیب، جزء دوم آن است که در این‌جا حجت است. حجت، از واژه عربی (ح ج ج) گرفته شده است که دارای معنای چندنی از جمله قصد و دلیل روشن (مفردات الفاظ قرآن کریم، راجع اصطلاحی، ذیل باب حج) اتمام به معنای تمام کردن و پایان دادن به کاری و امری است و اتمام حجت به معنای تمام کردن حجت و دلیل روشن بر خصم و اتمام است به گونه‌ای که نتواند هیچ عذر و بهانه‌ای برای رد و عدم پذیرش آن بیابد(نگاه کنید:لغته‌نامه دهخدا) وقتی در آموزه‌های دینی سخن از اتمام حجت می‌شود می‌توانیم آن است که همه گونه دلایل روشن و احتجاج در مقام ابلاغ و بیان مطلب آورده شده تا شخص در مسیر هدایتی الهی قرار گیرد و دیگر عدم پذیرش شخص مبتنی بر عدم شناخت و نادانی و جهالت نیست، بلکه به سبب عناد و لجاجت و انکار است.

امید به رحمت خدا و شرایط آن

beqigahjooyan.blog.ir



به خداوند امیدوار باش، امیدی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش یمنی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند .

امام جعفر صادق (ع)

باید به خدایی باشد که قرآن آن را معرفی کرده است، یعنی شناخت نسبت به خدایی که قرآن بیان کرده و ایمان به آن، شرط اصلی بهر‌مندی از رحمانیت و تحقق رجای حقیقی است.

دومین شرط اساسی، ایمان واقعی به آخرت است، زیرا این ایمان به آخرت و حساب و کتاب آن است که انسان را نسبت به افکار و اعمال محتاط می‌کند و باعث می‌شود هر کاری را انجام ندهد. از همین رو در آیات قرآن برای امیدواری دو شرط ایمان به خدا و معاد مطرح شده است.

از دیدگاه قرآن، ایمان به خدا موجب می‌شود تا انسان دارای تکیه‌گاهی باشد که

کافران از آن بی‌بهره هستند. پس در شرایط سخت زندگی، مومنان با امید واقعی به خدا می‌توانند از مشکلات عبور کنند در حالی که کافران جز به امور مادی هیچ توجه و تکیه‌گاهی ندارند، اما مومنان افزون بر اسباب و وسایل مادی، دارای خدای سبب‌سازی هستند که امید به او می‌تواند راهگشا باشد و امدادهای غیبی الهی مومنان را در دل خود (نساء، آیه ۱۰)

کسانی که به خدا ایمان ندارند، نومید از رحمت الهی هستند و گرفتار طغیان می‌شوند، زیرا نومیدی موجب می‌شود تا شخص به جای اصلاح کار و توبه کاری گستاخانه اقدام

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

امید به رحمت خدا و شرایط آن

beqigahjooyan.blog.ir

ب طغیان کنند(یونس، آیه ۱۱) این گستاخی و طغیانگری تا جایی است که خواهان قرآنی دیگر می‌شوند که مطابق با خواسته‌های آنان باشد. در حقیقت گمان می‌کنند که خدا باید تابع آنان باشد نه آنان تابع خدا باشند.نومیدی از قیامت و دیدار الهی این‌گونه آنان را گستاخ کرده است.(یونس، آیه ۱۵)
شرط دیگر در رجا به‌ویژه رجای لقاالله، اعتقاد به اجل برای هر چیزی از جمله اجل

ایمان به آخرت و حساب و کتاب آن است که انسان را نسبت به افکار و اعمال محتاط می‌کند و باعث می‌شود هر کاری را انجام ندهد. از همین رو آیات قرآن برای امیدواری دو شرط ایمان به خدا و معاد مطرح شده است.

صالح انجام می‌دهند.(بقره، آیه ۲۱۸) از جمله اعمال صالح بسیار موثر می‌توان به نماز شب و علم آموزی و عمل بر اساس آن اشاره کرد، زیرا انسان با عمل صالح خویش می‌تواند باور داشته باشد که از رحمت الهی بهره‌مند خواهد شد.(زمر، آیه ۹) همچنین شرط بهره‌مندی از رجا آن است که انسان در هیچ سطحی شرک قولی و اعتقادی و فعلی نداشته باشد. (کهف، آیه ۱۱۰)
شرط دیگر بهره‌مندی از رجای الهی این است که انسان مسلمان همه فلسفه و سبک زندگی خویش از قول و فعل را بر اساس فلسفه و سبک زندگی پیامبران و مومنانی چون حضرت ابراهیم(متحینه، آیه ۶) به‌ویژه پیامبر اکرم(ص) قرار دهد. به این معنا که امید به خدا زمانی شکل واقعی می‌گیرد که انسان افزون بر آخرت باوری سبک زندگی را از اسوه حسنه که پیامبر(ص) است برگیرد. (احزاب، آیه ۲۱)

امید واهی باطل

بر اساس آموزه‌های قرآن، امید واقعی و حق آن است که بر مدار ایمان به خدا و آخرت و انجام اعمال صالح در چارچوب اسلام باشد که عقل و نقل آن را کشت می‌کند. بنابراین، کسانی که بدون تحقق این شرایط، امید به رحمت الهی دارند، به یک معنا در خطا و اشتباه هستند و ایمان آنان به رحمت الهی واهی و باطل است، زیرا بدون تحقق شرایط حقیقی، امیدواری به رحمت الهی به معنای حرکت به سوی سراب است که وقتی انسان در قیامت به آن می‌رسد می‌پاید که خدا در آنجا هست، ولی به جای آنکه با رحمت جمالی الهی مواجه شود، با رحمت جلالی خدا روی‌رو می‌شود و خدا امید چنین کسانی را به یاس تبدیل می‌کند، زیرا امید مبتنی بر حقیقت نیست، بلکه امید بر پایه آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی و کاذب بوده است.

از نگاه قرآن، سیطان با فریبکاری خود، مردم را امیدوار به سراسب می‌کند و در آنان امید کاذب بدون پشتوانه عملی ایجاد می‌کند و آنان را گرفتار تجسری می‌کند که به جای بندگی و عمل بر اساس آموزه‌های اسلامی و هدایت رجحانی بر اساس اسباب و هواهای نفسانی خویش عمل کرده و آنان را این‌گونه به سوی دوزخ رهنمون می‌سازد. چنین کسانی گرفتار امید واهی کاذب و باطلی هستند که سرانجام خوشی برای آن رقم نخواهد خورد.

و صعود و عروج از سوی انسان تا برخی از مراتب هستی و نشئات آن امکان‌پذیر شده است و دیگر این بشر همان بشر مادی نیست، بلکه دارای روحی است که تا ملکوت و لاهوت بالا رفته است و نوعی تناسب و سختی در میان دو طرف ارتباط پدید آمده است. از جمله پندارهای باطل می‌توان به جبرگرایی اشاره کرد که خود مانع جدی بر سر راه پذیرش اتمام حجت است. خداوند در آیاتی از جمله ۱۴۸ و ۱۴۹ سوره انعام و نیز ۲۵ سوره نحل، جبرگرایی و پندار باطل کافران در نسبت دادن شرک و گناه خود به خواست خدا را مانع اثربخشی اتمام حجت الهی در قلوب و اذهان آنها معرفی می‌کند و نسبت به این موضوع هشدار می‌دهد.

خداوند به‌اشکال گوناگون چون انداز و بشارت بر آن است تا مردمان را نسبت به حقایق هستی آگاه کرده و تکلیف و وظایف آنان را در قبال خود، خدا و خلق بیان کرده و حقوقشان را گوشزد کند تا در آینده مدعی آن نشوند که شناختی از حقایق و یا اطلاعی از کم و کیف احکام و قوانین و مجازات‌های مترتب بر آن نداشته‌اند.

۵. کوردل شدن: مهر خوردن قلب و کوردل شدن از موانع دیگر تأثیر اتمام حجت است.(اعراف، آیه ۱۰؛ یونس، آیه ۷۴) علت مهر شدن دل‌ها نیز گناهان و مخالفت‌های است که انسان با احکام نظاهر و عملی عقل انجام می‌دهد و زمینه را برای بسته شدن راه‌های شناختی و ادراکی فراهم می‌آورد به گونه‌ای که مرتب با باورهای غلط نمی‌شود یا وارونه وارد شده و نتیجه عکس می‌دهد. از این رو همین قرآن که هدایت برای امتیان و اهل فضایل اخلاقی و موجب افزایش ایمان است در مورد اسدا در قلوب کافران نتیجه عکس داده و آنها را روز به روز از خدا و حقایق دورتر می‌کند؛ چرا که بی‌توجهی به احکام عقل و عقلاء زمینه‌ساز آن است که حقایق حیوانی قرآن را درنمایند و حتی حقایق و براهین عقلی و فلسفی و منطقی را بر نتابند.(بقره، آیات ۲ تا ۱۲)

۶. شقاوت: قلوبی که سخت و شقی شده و در اثر گمراهی و گناه به گونه‌ای در آمده که از سنگ و آهن نیز سخت‌تر شده، دیگر نمی‌تواند باران نرم حقایق را بپذیرد و آن را به درون خود راه دهد. از این رو خداوند شقاوت برخاسته از گمراهی، گناه را مانع جدی در پذیرش اتمام حجت در برخی از افراد معرفی می‌کند.(مومنون، آیات ۱۰۳ تا ۱۰۶)

این‌ها مهم‌ترین موانع جدی است که موجب می‌شود انسان‌ها نسبت به دلایل روشن و حجت، کامل و تمام‌واکش مثبت نشان ندهند و در برابر آن قرار گرفته و به انکار آن بپردازند و خود و دیگران را به عذاب و بلاهای دنیوی و اخروی گرفتار کنند.

چراغ راه

صفحه ۷
شنبه ۸ مهر ۱۴۰۲
۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۴۰۶



نشانه پستی و فرومایگی

سئل الرضا(ع) عن السفله، «فقال: من كان له شيء يليه عن الله».
از امام رضا(ع) سوال شد: پست و فرومایه کیست؟ حضرت فرمود: آن کسی که به وسیله آن چه در اختیار او است از خدا غافل شود.^(۱)

۱- تحف‌المقول، ص ۴۶۶



حکایت خوبان

سه مصیبت بزرگ

مردی به محضر امام سجاد(ع) آمد و از حال و روزگار دنیای خود شکایت کرد.

امام فرمود بیچاره انسان که در هر روز، دستخوش سه مصیبت است که از هیچ یک عبرت نمی‌گیرد در صورتی که اگر عبرت می‌گرفت، مصائب دنیا برای او آسان می‌شد:

۱- هر روز که از عمر او می‌گذرد از عمرش کاسته می‌شود، در صورتی که اگر از مال او چیزی کاسته می‌شد قابل جبران بود ولی کاهش عمر قابل جبران نیست.

۲- هر روز، رزقی که به او می‌رسد اگر از راه حلال باشد حساب دارد و اگر از راه حرام باشد عقاب دارد و این حساب و عقاب در دادگاه الهی در انتظار او است.
۳- مصیبت سوم از همه بزرگ‌تر است و آن اینکه هر روز که از عمر انسان می‌گذرد، به همان اندازه به آخرت نزدیک می‌شود، ولی نمی‌داند که رهسپار بهشت است یا دوزخ؟

اگر به راستی در فکر این سه مصیبت باشد، گرفتاری‌های مادی در برابر آنها ناچیز است و آسان خواهد شد.

❖ داستان دوستان، محمدمحمدی اشتهرادی



پرسش و پاسخ

شبیه رؤیت خداوند یا عدم رؤیت؟

پرسش:

در آیات قرآن کریم از یک‌سو بحث لقاالله یا رؤیت خدا در روز قیامت مطرح شده است و از طرفی آیات دیگر، این امکان دیدن خدا را نفی می‌کند. آیا اختلاف مواضع قرآنی موهم تعارض یا تناقض در آیات قرآن است؟
پاسخ:

آیات موهم تعارض

قرآن کریم از یک‌سو در سوره قیامت آیات ۲۲ و ۲۳ می‌فرماید: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ، اِلَیْهِمْ رَهِیَآ نَظَرُهَا» چهره‌هایی که در روز قیامت خیلی شادابند و به سوی پروردگار خود می‌نگرند این آیات دلالت بر امکان رؤیت خداوند در روز قیامت را دارد. همچنین در سوره اعراف، آیه ۱۴۷ می‌فرماید: «وَالَّذِینَ کَذَبُوا بَآیَاتِنَا وَ لَقَالُواخَرَجْتُ مِنْ اِیْمَالِهِمْ» کسانی که آیات ما و ملاقات آخرت را دروغ بیاانند، کارهای(خوب) آنها هدر می‌رود.
پادر سوره انعام آیه ۲۱ می‌فرماید: «فَدُخِّرَ لَإِیْدِیْنَ کَذِبُہُمَا لِقَالَهُمَا» کسانی که دیدار خدا را دروغ می‌دانند، سرمایه عمرشان در دست داده‌اند.
با یک نگاه اولیه به این آیات و آیاتی از این دست است این شبهه به ذهن متبادر می‌شود که آیا امکان دیدن خداوند و ملاقات حضرت حق در روز قیامت برای انسان وجود دارد؟ و اگر وجود دارد با توجه به آیات دیگری که می‌فرماید: «لَا تَرَوُنَّہُمْ» چشم‌چراغ او را در نمی‌بینید(انعام- ۱۰۳) و آیا یه دیگری که می‌فرماید: «لِیسَ کَمِثْلَ شَیْءٍ» خداوند هیچ چیز مانند او نیست(که دیده شود) (شوری- ۱۱) این رؤیت و لقای خداوند چگونه خواهد بود، و آیا این اختلاف مواضع قرآنی موهم تعارض و تناقض در قرآن کریم نیست؟

پاسخ‌شبهه

۱- آیاتی که دلالت بر رؤیت خداوند یا ملاقات با الله را دارد، در منظر علوم قرآن، جزو آیات متشابه قرآن به حساب می‌آیند.از طرفی آیات عدم دیدن خداوند را چشم سر به عدم تشبیه چیزی به خداوند، جزو آیات محکم قرآن می‌باشند. بنابراین برای روشن شدن ابهام و یا شبهه در آیات متشابه، باید آنها را به محکمت ارجاع داد، یعنی با در نظر گرفتن تقدیری، چنانکه در موارد دیگری از قرآن نیز به کار رفته مانند: «فَسَالُوا الْقَبْرِ» که در اصل باید آن را «فاسئل اهل القبْرِ» تصور کرد و باید اهل را در تقدیر گرفت، می‌توان به معنای صحیح دست یافت. مثلا «الی رَہبَا نَظَرُهَا» را به «الی رَحْمَۃ رَہبَا نَظَرُهَا» و یا «الی عطاء رَہبَا نَظَرُهَا» تصور نمود و در تقدیر گرفت که با رؤیت ظاهری کلاما متفاوت خواهد بود. چرا که در آیات محکمت دیگر نظیر «لِیسَ کَمِثْلَ شَیْءٍ» یا «یَہِ سَیِّحَاتُہُ وَ تَعَالٰی عَمَّا یُشْفَوْنَ»(انعام- ۱۰) به وضوح به این مطلب اشاره شده که هیچ چیز شبیه به خداوند نیست تا قابل رؤیت باشد. هرچند که برخی از علمای اهل سنت قائلند که رؤیت خداوند در روز قیامت تحقق پیدا خواهد کرد(برهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۶۱) از سوی دیگر خود قرآن کریم، پیروی از آیات متشابه را سلوک گمراهان معرفی نموده و هدف بیماردلان و دستاویز فتنه‌گران توصیف فرموده است.

به عبارت دیگر، آیات متشابه، همان‌گونه که قابلیت تاولیل صحیح را دارند، شأْنِیت به باطل را انیز دارند.بنابین لحاظ تاولیل‌پذیری به مفهوم ارجاع و بازگرداندن کلام به همان معنای واقعی عقلائی بوده و مراد حقیقی آیات متشابه است. در حالی که مقصود «انتظار» است، یعنی انتظار آنکه رحمت حضرت حق شامل آیات نبوده، بلکه شَأْن تمام آیات قرآن است.

۲- در این‌جا فرق آشکاری بین «نظر» به معنای رؤیت و «نظر» به معنای انتظار و توقع وجود دارد. در روز قیامت، نظرها به سوی خداوند سبحان است که حقایق و وقوع و انتظار» است. یعنی انتظار آنکه رحمت حضرت حق شامل حال آنان شود، نه اینکه فیزیک و اندام خداوند را با چشم سر ببینند، زیرا خداوند جسم ظاهری ندارد ک دیده شود.

۳- در میان مردم هم این اصطلاح شایع است که مثلا گفته می‌شود: در فلاحی علم زیادی ندیدم که منظور آن است که فرد خیلی باسواد نیست، نه اینکه واقعا علم را می‌توان در خارج دید، چون اصولا امور ماورای ماده قابل دیدن نیستند. بنابراین این رَہبَا نَظَرُها یا لقاالله تعبیری کنایه‌ای است و باید از ورای الفاظ ظاهری به آنها نگریست. در این صورت است که مشاهده می‌گردد، میان اختلاف این دو نوع آیات بهمان گونه تعارض و تناقض وجود ندارد.



سلوک عارفانه

تفاوت روش رسیدن فیلسوف و عارف به مقام انسان کامل

از نظر فیلسوف اگر انسان بخواهد به مقام انسان کامل برسد، با چه ابزاری باید پیش برود؟ با ابزار استدلال و قیاس، با صغری و کبری و مقدمات چیدن و فکر کردن، با پای منطق. ولی عارف می‌گوید: خیر، ابزار آن، علم و سواد و حرف و گفت و شنود و صغری و کبری و مقدمه و نتیجه و استدلال نیست...! فیلسوف می‌گوید: فکر کن، رجا بخوان، پیش معلم برو، ولی عارف می‌گوید: خودت را تصفیه (تزکیه) کن، تهذیب نفس کن، اخلاقی رذیله را از خود دور کن، توجه به غیر حق را هر چه می‌توانی از خودت بران و بر توجه خود به حق بپرداز، بر خاطرات خود مسلط باش. هر چه اندیشه غیرخدا در دل تو بکامد دیو است، تا دسود هست فرشته که نور خداست هرگز در دل تو نمی‌آید^(۱).

۱- کمال انسان و انسان کامل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ج ۳۰، پینش مطهر، ص ۴۸

صفحه معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱-۰۳۵۲۰۲۲۲۱- Maarefkayhan@Kayhan.ir